

رشوه

تأليف
هادى نجفى

ترجمه
احمد حلبیان

سرشناسه	: نجفی، هادی، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	: الآراء الفقهیه قسم المکاسب المحرمه. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: رشوه/نویسنده هادی نجفی؛ مترجم احمد حلیبان.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۷ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴س.م.
شابک	: ۹-۹-۵۰۱-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه بحث رشوه از کتاب «الآراء الفقهیه قسم المکاسب المحرمه» می‌باشد.
یادداشت	: کتابنامه:ص. [۱۱۱]- ۱۱۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: رشوه (فقه)
موضوع	: Bribery (Islamic law)
شناسه افزوده	: حلیبان، احمد، ۱۳۷۸-، مترجم
رده بندی کنگره	: BP۱۹۰/۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۳۱۳۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: رشوه
ناشر	: چتر دانش
تألیف	: هادی نجفی
ترجمه	: احمد حلیبان
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۰
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹-۹-۵۰۱-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت	: ۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست

سخن ناشر.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول: موضوع رشوه.....	۹
الف: تعاریف اهل لغت.....	۹
ب: تعریف رشوه در گفتار فقها.....	۱۳
فصل دوم: گفتار فقیهان در مورد حرمت رشوه.....	۲۲
فصل سوم: ادله حرمت رشوه.....	۲۸
اول: اجماع.....	۲۸
دوم: قرآن مجید.....	۲۹
سوم: روایات متواتر.....	۳۲
چهارم: حکم عقل.....	۴۳
فصل چهارم: حرمت اخذ اجرت بر قضاوت از دو طرف دعوا.....	۴۵
استدلال بر حرمت اخذ اجرت بر قضاوت.....	۶۰
فصل پنجم: گرفتن اجرت بر مقدمات قضاوت.....	۷۳
فصل ششم: ارتزاق قاضی از بیت المال.....	۷۷
فصل هفتم: حکم هدیه به قاضی.....	۸۴
روایات درباره حکم هدیه به قاضی.....	۸۶
فصل هشتم: حکم رشوه در غیر باب قضاء.....	۹۴
فصل نهم: حکم معامله محاباتی با قاضی.....	۹۸
فصل دهم: حکم وضعی رشوه و وظیفه گیرنده آن.....	۱۰۲
خاتمه: فروع اختلاف بین دهنده و گیرنده رشوه.....	۱۰۶
منابع.....	۱۱۱

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْخِلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ
لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

سوره بقره، آیه ۱۸۸

و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق نخورید. و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را با تکیه بر حکم ظالمانه آنان به گناه و معصیت بخورید، در حالی که زشتی کارتان را می‌دانید.

موثقة ساعة عن أبي عبدالله عليه السلام قال: الرشأ في الحكم هو الكفر بالله.

وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۲۲۲، ح ۳، باب ۸ از أبواب آداب القاضي

موثقة سماعة از امام صادق عليه السلام که فرمودند: رشوه در حکم، کفر ورزیدن به خداوند است.



سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از

تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسؤل انتشارات چتر دانش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الذي حرّم الرشوة وأمر بالاجتناب عنها، والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين محمد المصطفى وعلى وصيّهِ وخليفته - بلا فصل - أمير المؤمنين علي بن أبي طالب والأحد عشر من ولده الأئمة المعصومين ولا سيّما على خاتمهم المهدي المنتظر.

رشوه یکی از مفساد اقتصادی است که آسیب‌های اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد، و شوربختانه این پدیده شوم در اجتماع ما رواج یافته و عادت گشته و همانند یک ویروس فراگیر همه جا به طور گسترده منتشر شده است.

آنچه در این کتاب می‌خوانید بحثی است پیرامون مسائل فقهی استدلالی رشوه، که در ده فصل و یک خاتمه تنظیم شده و برگردان بحث رشوه^۱ کتاب دائرة المعارف الآراء الفقهية^۲، تألیف صاحب این

۱. الآراء الفقهية، ج ۲، ص ۱۸۴-۱۳۷.

۲. این کتاب از اول بحث مکاسب محرمه تا پایان بیع به مدت ۱۷ سال در حوزه علمیه تدریس و تاکنون در ۹ جلد منتشر شده است.

قلم می‌باشد و توسط حجة‌الإسلام آقای حاج شیخ احمد حلبیان حفظه الله تعالى که از دانش‌آموختگان ممتاز حوزه علمیه اصفهان است به فارسی برگردانده شده و خدمت علاقه‌مندان به فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) تقدیم می‌شود.

بر این امید که بتواند گامی هرچند کوچک در براندازی این عادت زشت و ریشه‌کن کردن ویروس فراگیر رشوه باشد. و در پایان امیدوارم این تلاش مرضی مولایمان صاحب العصر و الزمان (علیه‌السلام) قرار گیرد. ان شاء الله تعالى.

سالروز میلاد امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)

۱۱ ذي القعدة الحرام ۱۴۴۲

۱ تیر ماه ۱۴۰۰

اصفهان - هادی نجفی

رشوه

بحث پیرامون رشوه را در ده فصل قرار می‌دهیم:

فصل اول: موضوع رشوه

روایات به مشخص کردن موضوع رشوه و مفهوم و حقیقت آن پرداخته‌اند. پس برای شناخت آن و یافتن حقیقت درباره آن به ناچار باید مراجعه کنیم به اهل لغت و عرف و سخنان فقهای امامیه قدس سرهم:

الف: تعاریف اهل لغت

۱- احمد بن فارس گفته است: «رشی: که ساخته شده است از راء و شین و حرف معتل یعنی: یاء، اصلی و ریشه‌ای یا لغتی است که بر سبب چیزی یا سبب شدن برای چیزی با مدارا کردن و نرمی دلالت می‌کند. پس رشاء: به معنای طناب طولانی است و جمع رشاء، اُرْشِيَّة است.

و به حَنْظَل^۱ زمانی که شاخه‌های آن، طولانی شود، گفته

۱. میوه‌ای است به شکل هندوانه، کوچک‌تر از نارنج با رنگی زرد و طعمی بسیار

می‌شود: قد اُرشی؛ به معنای آنکه مانند اُرشیه شد و اُرشیه به معنای طناب‌ها است یعنی دارای طناب‌های طولانی است که منظور همان شاخه‌ها است و از همین باب است یعنی حروف اصلی آن یکی است: رشاه، یَزْشُوه، رَشُوه و رشوه: اسم مصدر^۱ است، و می‌گویی: تَرَشَّيْتُ الرَّجُلَ: به معنای آنکه با او با نرمی برخورد کردم.

و سخن امرئ القیس از همین معنا است: او با قلب‌ها مدارا می‌کند و به نرمی برخورد می‌کند، یا قلب‌ها را نرم می‌کند.

و از همین باب است، استرشی الفصیلُ (شتر بچه): زمانی آن را می‌گویند که شتر بچه خواستار شیر نوشیدن باشد و قد اُرشَّيْتَهُ ارشَاءً: به معنای آنکه شیر داد شتر بچه را شیر دادنی.

و می‌گویی راشیْتُ الرَّجُلَ: وقتی که مرد را کمک کرده باشی و پشتوانه او قرار گرفته باشی.

و اصل و معنای جامع در همه اینها یکی است به معنای آنکه همه اینها یک معنای جامع دارند و آن همان معنای سبب چیزی شدن یا سبب قرار گرفتن برای چیزی با مدارا و نرمی است»^۲.

۲- و صاحب صحاح اسماعیل بن حماد گفته است: «رشاء: به معنای طناب و جمع آن، اُرشیه است و رشوه: معنای شناخته شده‌ای دارد و رَشُوه با ضَمّ راء مانند رَشُوه معنا دارد و جمع رَشُوه و رَشُوه، رشا و رُشا است»^۳.

تلخ که معروف است به هندوانه ابوجهل.

۱. مصدر وضع شده است برای انجام‌دادن امری یا قبول امری. و اسم مصدر وضع شده برای اصل آن امری یا برای آن حالتی که از مصدر حاصل می‌شود.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۹۷.

۳. صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۳۵۷.

۳- و فیتومی گفته است: «رشوه با کسر راء: به معنای آنچه شخص به حاکم و غیر حاکم می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا او را مجبور کند که حکم کند بر آنچه او می‌خواهد چه به نفع او باشد چه به ضرر او... و رشاء: به معنای ریسمان و جمع آن اُرشیه است مثل کساء (پیراهن) و اُکسیه (پیراهن‌ها)»^۱.

۴- و زمخشری گفته است: «ر ش و: به معنای کسی که در حکم دادن، رشوه قبول می‌کند، و رُشوه و رُشی می‌گیرد و رُشی طناب پیروزی است.

و خداوند، کسی که رشوه می‌دهد و کسی که رشوه می‌گیرد را لعنت کرده، و ماضی آن رشوته رشوه دادم او را و مضارع آن اُرشوه رشوه می‌دهم به او است. و از ثعلب این سخن است که: رشوه از «رشا الفرخ» می‌آید و این سخن زمانی گفته می‌شود که جوجه سرش را بالا بیاورد تا مادرش به او غذا بدهد.

و استرشی الفصیل (شتر بچه): به معنای آنکه شتر بچه خواستار شیر نوشیدن شد...»^۲.

۵- و محمد فیروزآبادی صاحب قاموس گفته است: «الرشوه - به هر سه حرکت راء فتحه، ضمه و کسره - : به معنای مزد است، جمع رشوه، رُشی است... و رِشاء مانند کِساء است یعنی وزن آن دو یکی است: و معنایش طناب است، همان‌طور که تِرشاء با کسره است»^۳.

۶- و ابن اثیر گفته است: «رشا درباره آن آمده است: خداوند،

۱. المصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲. أساس البلاغة، ص ۱۶۴.

۳. القاموس المحيط، ص ۸۷۸.

رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه رشوه را لعنت کند.
 رشوه و رشوه: رسیدن به خواسته با زد و بند کردن و ریشه آن
 از رشاء یعنی طنابی که به واسطه آن به آب رسیده می‌شود، است.
 بنابراین راشی: کسی است که می‌بخشد به کسی که او را بر
 باطل یاری می‌کند. و مرتشی: گیرنده آن است و رایش: کسی است
 که بین این دو سعی و تلاش می‌کند برای حاکم یا مرتشی خواستار
 زیادی است و برای راشی خواستار کم کردن است یعنی دلال بین
 رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده است.

و اما آنچه که برای رسیدن به گرفتن حقی یا دفع ظلمی
 می‌دهد داخل در معنای رشوه نیست.

روایت شده است: که ابن مسعود، به خاطر چیزی، در زمین
 حبشه گرفتار شد و او دو دینار داد تا راهش آزاد شود و از جماعتی
 از بزرگان تابعین (کسانی که صحابه پیامبر ﷺ را دیده‌اند) روایت
 شده است که گفتند: زد و بند شخص به خاطر جانش یا مالش زمانی
 که از ظلم بترسد، اشکالی ندارد»^۱.

۷- و طریحی گفته است: «رشوه با کسره راء: آن چیزی است
 که شخص به حاکم یا غیر آن می‌دهد تا برای او حکم کند یا مجبور
 کند او را بر آنچه می‌خواهد.

و جمع رشوه، رُشی است مانند: سِدْرَة و سُدر و با ضمّ خواندن
 راء لغتی است.

و اصل آن از رشاء است به معنای: طنابی که به واسطه آن به آب
 رسیده می‌شود. و جمع آن، آرشیه است مانند کِساء و اُکسیه یعنی

۱. النهایة، ج ۲، ص ۲۲۶.

هر دو جمعشان یک‌گونه است... و چه بسیار کم، کلمه رشوه بکار رود مگر در جایی که به واسطه آن به باطل کردن حقی یا مشی کردن باطلی رسیده شود»^۱.
همه اینها، کلمات اهل لغت بود.

ب: تعریف رشوه در گفتار فقها

فقهای امامیه نیز به تعریف و شناساندن آن پرداخته‌اند، از جمله آنها:

۸- جدّ ما، شیخ جعفر کاشف الغطاء، گفته‌اند: «و گرفتن، رشاء: رشوه‌ها حرام است. رشاء جمع رشوه است، به هر سه حرکت راء یعنی به فتحه، کسره و ضمه راء هر سه می‌آید، (در مورد حکم) یعنی به سبب رشوه حکم می‌کند و اگرچه هم حکم شود بر ضرر دهنده رشوه و بذل او اثری نداشته باشد چه حکم به حق بکند یا به باطل و مطلق مزد، رشوه نیست، همان‌طور که در کتاب قاموس، آمده است.^۲ بلکه بین رشوه، و بین اجرت و مزد، عموم و خصوص، من وجه وجود دارد.

و بخشیدن بر خصوص باطل رشوه نیست یعنی شامل حکم به حق هم می‌شود همان‌طور که در نهاییه و مجمع البحرین است و مطلق بخشیدن و اگرچه برای خصوص حق باشد، رشوه نیست. بلکه آن بخشیدنی است برای حکم به باطل یا برای حکم برای او چه حق باشد چه باطل، از رشوه نام برده شود یا نشود.
اما آنچه را که به‌صورت اجرت برای اصل قضاوت می‌دهد یا بر

۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. در کتاب قاموس مطلق جعل به‌عنوان رشوه معرفی شده است. القاموس المحيط، ص ۸۷۸.

خصوص حکم به حق می‌دهد، پس کلام درباره آن می‌آید»^۱.

۹- و سید عاملی در کتاب مفتاح الکرماه‌اش گفته‌اند: «الرشاء - با ضم و کسر راء - جمع رشوه است... نزد فقهای امامیه آن چیزی است که برای حکم به حق یا باطل می‌دهند و اصل ریشه‌اش به سبب‌سازی یا سبب‌شدن برای چیزی به همراه مدارا و نرمی دلالت می‌کند»^۲.

۱۰- و محقق نراقی گفته‌اند: «... سخنی نیست در اینکه رشوه‌ای که برای قاضی می‌باشد، آن مالی است که از یکی از دو طرف دعوا یا از هر دو یا از غیر آن دو گرفته شده برای آنکه به ضرر دیگری حکم کند یا او را اجمالاً راهنمایی یا هدایت کند.

سخن فقط در این است که حکم کردن یا راهنمایی کردن که در ماهیت و تحقق رشوه، اخذ شده آیا بدون قید است که شامل حکم به حق و باطل شود یا مختص به حکم به باطل است؟ لازمه بدون قید آوردن بیشتر فقهاء و لازمه تصریح کردن پدرم علامه محمدمهدی نراقی رحمته‌الله در کتاب معتمد الشیعه فی احکام الشریعة و لازمه آنچه از عرف فهمیده می‌شود همان اول است که اطلاق نسبت به حق و باطل هر دو بود. و اطلاق، ظاهر عبارات قاموس و کنز اللغة و مجمع البحرین است.

و بر این اطلاق دلالت می‌کند، بکار بردن رشوه در آنجایی که برای حق داده است در روایت صحیحی آمده است که شخصی به دیگری رشوه می‌دهد برای آنکه محلش را تغییر دهد و شخص رشوه‌دهنده در آن سکونت گزیند، حضرت علیه السلام فرمودند: اشکالی

۱. شرح القواعد، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. مفتاح الکرامة، ج ۱۲، ص ۳۰۲.

ندارد.^۱

پس به تحقیق اصل در استعمال حقیقت است تا مادامی که دانسته نشود در غیر این معنا هم بکار رفته است. یعنی اگر لفظی بکار رفت برای معنایی و ندانستیم آن معنا، معنای حقیقی آن است یا نه، اصل و قاعده آن است که آن معنا را حقیقی بدانیم. همان طور که در محل خودش، اثبات شده است.

بله از نهاییه این اثیر چیزی به دست می آید که چه بسا تخصیص را می فهماند مانند سخن بعضی از فقهاء که رشوه را مختص به حکم باطل می دانند، و این مطلب، برای مخالف با آنچه که بیان کردیم که همان اطلاق بود، صلاحیت ندارد با آنکه ظاهر آن است که مراد بعضی از فقهاء که مخالف با اطلاق بودند، اختصاص دادن حرمت است به جایی که حکم به باطل شود نه اختصاص دادن به حقیقت که بگوییم این فقها گفته اند، حقیقت رشوه مخصوص حکم به باطل است.^۲

۱۱- و صاحب جواهر گفته اند: «در هر صورت پس معنای رشوه در مختصر النهایه: رسیدن به خواسته است با زد و بند کردن و راشی: کسی است که به کسی چیزی می دهد تا او را بر باطل کمک می کند و مرتشی: گیرنده رشوه است و رایش: کسی است که بین این دو سعی و تلاش می کند و برای یکی خواستار زیادی است و برای دیگری خواستار کم کردن است.^۳

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۷۸، ح ۲، الباب ۸۵ من أبواب ما یکتسب به.

۲. مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۱.

۳. یعنی واسطه گری بین طرفین رشوه می کند و پیش راشی می رود و برای حاکم درخواست زیاد کردن رشوه را می کند و می رود پیش مرتشی و حاکم و

سپس کلمات بعضی از اهل لغت و بزرگان را بیان می‌کند و می‌گوید: آیا رشوه فقط در اموال است و رشوه در دادن اموال به جهت رشوه است یا اینکه کلمات اهل لغت رشوه را تعمیم می‌دهد و آن را شامل بلکه اقوال نیز می‌داند، مانند: تعریف کردن از قاضی و ستایش او و شتاب کردن در برطرف کردن خواسته‌های او و ابراز احترام و بزرگداشت وی و مانند این یا رشوه شامل، بذل و عقد محاباتی^۱ و عاریه و وقف و مانند آن می‌شود. و به صورت کلی هر آنچه که به آن، رسیدن به حکم حاکم قصد شود.

دومی که عمومیت داشتن نسبت به همه این موارد بود که رشوه منحصر به قصد جهت رشوه و منحصر به اموال نیست، به نظر قوی می‌آید و اگرچه شک شود در بعضی از افراد و مصادیق که داخل در اسم و حقیقت رشوه شوند. یا به داخل نبودن آن در اسم رشوه، قطع باشد ولی داخل بودن همه مصادیق در حکم حرمت بعید به نظر می‌رسد»^۲.

۱۲- و محقق ایروانی گفته‌اند: «تمامی معانی رشوه پنج چیز است: ۱- مطلق مزد (هر مزدی) که در آن اجرت اجیران درج شده باشد یعنی اجرت اجیران هم مزد محسوب می‌شود. ۲- و مزد بر قضاوت و پرداختن به پایان دادن مجادله. ۳- و مزد بر حکم واقعی یعنی به قاضی پولی بدهد تا حکم واقعی را بیان کند چه به نفع او حکم شود چه به نفع غیر از خودش باشد. ۴- و مزد بر حکم به نفع

برای راشی درخواست کم کردن رشوه را می‌کند.

۱. معامله مجانی یا به کم‌تر از ثمن المثل.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۶.

خودش چه حق باشد و چه باطل. ۵- و مزد برای حکم به باطل. و اولی از این مواردی یعنی، رشوه تفسیر شود به مطلق مزد، شایسته است قطع پیدا کردن به بطلانش و اگرچه بعضی از اهل لغت رشوه را این‌گونه معنا کرده‌اند؛ زیرا لغویون می‌خواسته‌اند اجمالاً اشاره‌ای به معنای رشوه داشته باشند همان‌طور که در عبارت «سعدانه نام گیاهی است» این‌گونه می‌باشد. و آنچه که قدر متیقن در بین معانی رشوه است همان معنای آخر است اگرچه ظاهر نیست.

و به هر حال دادن مال به قاضی برای آنکه قاضی، از فرد ناحق، رشوه قبول نکند و قاضی طبق واقع به مقتضای طبعش حکم کند این پولی که دریافت می‌شود، از رشوه محسوب نمی‌شود.^۱ و محقق ابروانی در صفحه قبل، گفته‌اند: «و شایسته است قطع پیدا کردن به این که هر مزدی برای کاری، رشوه نیست و اگرچه عبارت‌های قاموس و نه‌ایه ابن اثیر این وهم را می‌رساند و اگر چنین نباشد یعنی هر مزدی رشوه باشد اجرت اجیران و اجرت افرادی که کرایه می‌شوند داخل در معنای رشوه می‌شود و رشوه محسوب می‌شود.

و اگر پذیرفتیم که عمومیت دارد لفظ رشوه پس آنچه از رشوه، حرام است قسمت خاصی از آن است و آنچه قدر متیقن است از معنای رشوه که متصف به حرمت می‌شود آن مالی است که در مقابل حکم به باطل پرداخت می‌شود بلکه لفظ رشوه عرفاً نیز انصراف دارد به همین مورد یعنی آنجایی که مال برای حکم به باطل پرداخت می‌شود نه غیر آن و عبارت مجمع البحرین شاهد بر

۱. الحاشیة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۵۷.

این معناست...»^۱.

۱۳- و محقق خوئی گفته‌اند: «و آنچه از سخنان فقهاء رضوان الله عليهم و اهل عرف و لغت - در حالی که سخنان آنها را به هم ضمیمه کنیم - بدست می‌آید این است که رشوه آن چیزی است که یکی از دو شخص به دیگری بدهد برای رساندن حق به مستحق، یا راه‌اندازی باطل یعنی حکم به باطل یعنی حتی اگر ابطال حقی هم نباشد باز هم رشوه به حساب می‌آید ولی حکم برای او حکم خلاف واقع و حکم باطلی است یا رشوه چیزی است که کسی به دیگری می‌دهد به‌خاطر رسیدن به خواسته با ساخت و پاخت یا رشوه آن چیزی است که در مورد کاری بدهند که در مقابل آن عمل، چه نزد عرف و چه نزد عقلاء اجرت و مزد نمی‌دهند و اگرچه غرضشان به آن عمل باشد و مورد نظرشان باشد بلکه این کار را برای کمک و همکاری بین خودشان انجام می‌دهند مانند رساندن حق به مستحق و باطل کردن باطل و ترک ظلم و اذیت یا دفع آن و واگذار کردن موقوفات مثل مدارس و مساجد و عبادتگاه‌ها و مانند اینها به غیر، مانند آنکه رشوه بدهد به کسی تا منزلش را تغییر دهد و در آنجا دیگری ساکن شود یا آن که مکانش را در مسجد تغییر دهد تا کس دیگر به جای آن بنشیند و غیر از این از مواردی که گرفتن اجرت به‌خاطر آنها عرف‌پسند نیست.

بله آنچه فیروزآبادی در قاموس ذکرش کرده از تفسیر رشوه به مطلق مزد، تأویل بر تفسیر به اعم می‌شود.^۲

۱. الحاشیة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. یعنی گونه‌ای تعریف رشوه را آورده است که غیر آن را نیز شامل می‌شود و این تعریف به اعم است.

همان طور که بعضی اوقات این کار لغوی است و اگر رشوه شامل هر مزدی شود؛ رشوه شامل مزد در این گفتار هم می‌شود مثل کسی که بگوید: «هرکس عبدم را برگرداند برایش هزار درهم است» در صورتی که هیچ کس قائل به آن نشده است که این مورد رشوه است.^۱

۱۴- و شیخ استاد ما مدّظله گفته‌اند: «احتمالاتی که در معنای رشوه است چهار تا است:

اول: آنچه که شامل پولی که در قبال حکم صحیح هم می‌شود، چه این پول عوض از خود حکم باشد یا از مقدماتش باشد مانند آنکه: نظر بیندازد در کار دو نفری که امر خود را پیش قاضی آورده‌اند و این ظاهر قاموس است و ظاهر سخن محقق ثانی این مطلب را یاری می‌کند و صریح عبارت علامه حلّی

دوم: آنچه که به قاضی می‌دهد تا به نفع او در آنچه اتفاق افتاده به باطل حکم کند و قضاوت ظالمانه کند، همان طور که ظاهر مجمع البحرین است.

سوم: دادن مال برای رسیدن به هدفش چه حکم به نفع او باشد چه امر دیگری که غیر برای او انجامش دهد، همان طور که این معنا از کتاب مصباح و نهاییه بدست می‌آید.

چهارم: دادن مال به قاضی برای حکم به نفع او چه حق و چه باطل

و آنچه صحیح است در معنای رشوه همان معنای چهارم است و آن دادن مال است برای حکم به نفع او مطلقاً چه به حق و چه به

۱. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۶۳.

باطل»^۱.

۱۵- برخی از اساتید ما مدّظله گفته‌اند: «رشوه عبارت نیست از هر اجر و مزدی و همچنین مطلق مزد برای قاضی و قضاة نیز رشوه نیست بلکه قدر متیقن از رشوه، مزدی است که در مقابل باطل کردن حقی یا کارسازی باطلی باشد یا رساندن حق به مستحق باشد که متوقف بر رشوه است که در این صورت فقط بر رشوه گیرنده، حرام است گرفتن آن رشوه...»^۲.

می‌گوییم: ظاهراً مراد از رشوه نزد فقها همان بخشش و مزد در مقابل حکم به باطل یا حکم به حق است مطلقاً است یعنی هر دو را شامل می‌شود. همان‌طور که گروهی به آن تصریح کرده‌اند، از آن جمله: ابن ادریس حلی در سرائر^۳ و محقق حلی در شرائع^۴ و علامه حلی در قواعد^۵ و تذکره^۶ و محقق کرکی در جامع المقاصد^۷ و شهید ثانی در مسالک^۸ و محقق اردبیلی در مجمع الفائدة^۹ و شیخ اعظم انصاری در مکاسب^{۱۰} و سید یزدی در عروة الوثقی^{۱۱} و شیخ استاد

۱. ارشاد الطالب، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. دراسات في المكاسب المحرمة، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳. السرائر، ج ۲، ص ۱۶۶.

۴. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۶.

۵. قواعد الأحكام، ج ۲، ص ۱۰.

۶. تذكرة الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۸، مسأله ۶۵۴.

۷. جامع المقاصد، ج ۴، ص ۳۵.

۸. مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۱۳۶.

۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۲، ص ۴۹.

۱۰. المكاسب المحرمة، ج ۱، ص ۲۴۲.

۱۱. العروة الوثقی، ج ۶، ص ۴۴۲، مسأله ۱۹.

ما^۱ مدظله در آنچه که کمی قبل تر از کلامش گذشت.
همه این مطالب در مورد مشخص کردن موضوع رشوه و حقیقت
آن و روشن کردن معنای آن بود.
و در مورد حرمت رشوه ناچار به سخنان فقهاء باید مراجعه کرد.

۱. إرشاد الطالب، ج ۱، ص ۱۵۱.